



نقش قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات

یحیی اکبری*

چکیده

بر اساس بند ۱۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه گسترش آزادی‌های مشروع است. با عنایت به اصل ۲۴ قانون اساسی، از جمله آزادی‌های مشروع «آزادی مطبوعات در بیان مطالب» است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات است. جهت پیشبرد موضوع، اقدامات لازم جهت گسترش آزادی در دو مرحله نظری و عملی قابل تصور است که در پژوهش حاضر، نقش قوه قضائیه در هر دو مرحله با توجه به رویه قضائی و مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. انسجام رویه قضائی جهت ترمیم ابهامات فراوان قانون مطبوعات، تحقق رسیدگی افتراقی جرائم مطبوعاتی بر مبنای رسیدگی منصفانه و رفع خلل ایجاد شده در آن را می‌توان از جمله اقدامات بسیار مؤثر قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات دانست. البته اقدامات فراوانی نیز جهت گسترش آزادی‌های مشروع از جانب قوه مقننه قابل تصور است که بر حسب تکمیل مطالب بعضاً به آن‌ها اشاره شده است.

واژگان کلیدی: گسترش آزادی‌های مشروع، آزادی مطبوعات، قانون مطبوعات، جرائم مطبوعاتی، هیئت منصفه، دادگاه علنی.

* دایار دادسرای مبارزه با جرائم اقتصادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی، قم، ایران.
sbh1404@gmail.com

مقدمه

براساس بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «گسترش آزادی‌های مشروع» ازجمله وظایف قوه قضائیه برشمرده شده است. باتوجه به این وظیفه، قوه قضائیه باید در راستای گسترش آزادی‌های مشروع که در قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، اقدام نماید. ازجمله آزادی‌های مندرج در قانون اساسی، آزادی مطبوعات در بیان مطالب است که در اصل ۲۴ به آن اشاره شده است. باتوجه به اینکه آزادی بیان در فصل سوم قانون اساسی به صورت خاص مورد توجه قرار نگرفته است و عملاً این آزادی در آزادی مطبوعات متبلور شده است و باتوجه به نقش مطبوعات در فرهنگ سازی و امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان ادعا نمود در میان آزادی‌ها، آزادی مطبوعات دارای اهمیت بسزایی است. پژوهش حاضر در مقام تبیین نقش قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات است. اولین موضوعی که در مورد این مسئله به ذهن خطور می‌کند این است که «گسترش آزادی‌های مشروع» به چه معناست؟ برای تبیین این موضوع باید هر یک از مفاهیم «گسترش»، «آزادی» و «مشروع» براساس نظر مقنن قانون اساسی تبیین شود. پس از آن باید به تفسیر «آزادی مطبوعات» پرداخت و سپس نقش قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات را تبیین نمود.

به نظر می‌رسد در راستای گسترش آزادی‌های مشروع می‌توان در دو مرحله نظری و عملی گام برداشت؛ براساس گام نظری، باید آزادی مطبوعات از حیث مفهوم، مصادیق و محدودیت‌ها به صورت شفاف و خالی از هرگونه ابهام تبیین شده و در گام عملی باید آزادی مطبوعات، در تصمیمات، رفتارها و نحوه رسیدگی به عنوان اصل شناخته شود؛ به صورتی که اقدامات در راستای تحقق آزادی باشند. بر همین اساس در پژوهش حاضر پس از تبیین مفهوم «گسترش آزادی‌های مشروع» در دو مرحله نظری و عملی، به اقدامات قابل تصور از جانب قوه قضائیه در گسترش آزادی‌های مشروع پرداخته شده است. به عنوان پیشینه پژوهش می‌توان اذعان نمود کتب و مقالات متعددی در خصوص شناخت جرائم مطبوعاتی به رشته تحریر در آمده‌اند و به تبیین عناصر سه‌گانه جرم مطبوعاتی و نحوه رسیدگی به آن پرداخته‌اند.^۱ در مقالات متعددی نیز حق آزادی بیان در مطبوعات مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است که در آن‌ها به تبیین مفهومی این حق و جایگاه آن در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی توجه شده است. در برخی از فعالیت‌های علمی نیز به چالش‌های آزادی مطبوعات در فرایند اجرای قانون

۱. ازجمله این آثار می‌توان به کتب پژوهشی فقهی - حقوقی در جرائم مطبوعاتی به قلم آقای عادل ساریخانی، جرم مطبوعاتی به قلم آقای عباس شیخ‌الاسلامی، جرائم مطبوعاتی به قلم آقای سعید مرتضوی و جرم مطبوعاتی به قلم آقای قاسم محمدی اشاره نمود.

توجه شده است؛ از جمله همایش علمی «حقوق مطبوعات» که مجموعه مقالات آن توسط انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به زیور چاپ آراسته شده است و یا میزگرد در خصوص جرائم مطبوعاتی که در نشریه پژوهش‌های حقوقی در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. پس از آن باید اذعان نمود مفهوم «گسترش آزادی‌های مشروع» تا به حال مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ اگرچه تعاریف متفاوتی از آزادی و آزادی مطبوعات ارائه شده است اما نحوه گسترش آن به شکل ویژه مورد توجه واقع نشده است. در این پژوهش سعی شده است، راهبردی برای گسترش آزادی مطبوعات ارائه و نقش قوه قضائیه در این راهبرد تبیین شود.

۱- مفهوم «گسترش آزادی‌های مشروع» در اصل ۱۵۶ قانون اساسی

بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه بر می شمارد. در بدو امر، در مورد این بند سه مسئله به ذهن خطور می‌کند: ۱- در این بند «آزادی» به چه معناست؟ ۲- قید «مشروع» در عبارت «آزادی‌های مشروع» ناظر بر چیست؟ ۳- چگونه باید عبارت «گسترش» را تفسیر نمود؟

مفهوم آزادی، مانند بسیاری از مفاهیم انتزاعی علوم انسانی در فهم و تعریف سهل و ممتنع است؛ به صورتی که در ذهن هر مخاطبی تصویری از آن وجود دارد؛ اما با توجه به اینکه یک امر مفهومی و فاقد جنس و فصل است، نمی‌توان آن‌ها را با دقت تعریف کرد.^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۲۷) از شایسته‌ترین تلاش‌های علمی برای تبیین این مفهوم، تقسیم‌بندی مفهوم حق از منظر حقوق‌دان آمریکایی، و سلی هوفلد^۲ است. وی با دو فاکتور هم‌بسته و نقیض مفهوم حق را به چهار معنای «حق - ادعا»، «حق - آزادی»، «قدرت» و «مصونیت» قابل تقسیم می‌داند؛ مثلاً در قضیه «الف حق انجام ب را دارد» می‌توان این‌گونه برداشت نمود که «الف» آزاد است در انجام یا خودداری از انجام چیزی و این آزادی است و تفاوت مشهود آن با «حق - ادعا» در این است که مثلاً «ج» تکلیفی در قبال «الف» ندارد. (جونز، ۱۳۹۲: ۲۹) بنابراین بسیاری از حق‌ها که در قوانین از جمله قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند از زمره «آزادی» هستند. آزادی‌ها برخلاف ادعاها عموماً به شکل منفی تعریف می‌شوند؛ به این صورت که شما آزادید، مگر اینکه آزادی‌تان به واسطه قانون محدود شود. چنانچه اشاره شد در مقابل آزادی، تکلیفی وجود ندارد؛ به عنوان مثال اگر

۱. در آینده تبیین خواهد شد که منظور از «گسترش» در واقع «حفظ و صیانت» است.

۲. مفهوم کلی یا قابل حمل بر امر عینی است؛ مانند حمل انسان بر افراد یا صرفاً بر صورت‌های ذهنی قابل حمل است، مانند مفهوم «جنس». در نوع اول به مفاهیمی که ذهن به طور خودکار از موارد خاص انتزاع می‌کند؛ یعنی آن مفهوم، انعکاس ذهنی مستقیم از یک واقعیت خارج از ذهن است؛ مفاهیم ماهوی گفته می‌شود.

«الف» حق آزادی بیان دارد، بدین معنا نیست که او محق است چیزی را از «ب» بخواهد و «ب» هم مکلف باشد همان چیز را برایش فراهم کند. هرچند ممکن است چنین چیزی از نتایج غیرمستقیم این نوع حق باشد، ولی مستقیماً از آن ناشی نمی‌شود. (همان، ۴۷)

باتوجه به اینکه مفهوم آزادی به صورت منفی تعریف می‌گردد، قید «مشروع» را می‌توان قید احترازی دانست که آزادی‌ها را به دو دسته آزادی مشروع و نامشروع تقسیم می‌کند؛ بنابراین لازم است از منظر قانونگذار اساسی به تفسیر این مفهوم پرداخته شود. توجه به شریعت اسلامی و تلاش برای همگام‌سازی مفاهیم مدرن با شریعت یا کشف این مفاهیم از دل شریعت اسلامی از بارزترین تلاش‌های مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بوده است که در چند زمینه متفاوت می‌توان این موضوع را رصد نمود:

الف - سبقت دانش فقهی اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر دیگر دانش‌ها؛ قریب به هفتاد درصد اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را فقهاء تشکیل داده‌اند.

ب - تأکید بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی بر موازین شرعی؛ در پیام امام خمینی (ره) به اعضای این مجلس، موضوع «توجه به احکام اسلامی» مورد اشاره قرار گرفته است و بیان می‌شود که: «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صدرصد براساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است.» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی شورای اسلامی، ۱/۱۳۵۸: ۵)

ج - تأکید اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر موازین شرعی؛ به‌زعم اعضا: «جعل قانون در برابر وحی آسمانی خروج از دین است ... علی‌هذا پیش‌نویس مزبور باید صدرصد اسلامی درآید و مواد آن با قرآن و سنت تطبیق داده شود.» (همان، ۳۹) و «این قانون اساسی می‌بایست روح اسلام و اسلام‌عریان را درست عرضه کند و هیچ اصلی در آن پذیرفته نشود، مگر اینکه مستند به قرآن کریم و یا سنت پیامبر اکرم (ص) و یا روش ائمه معصومین (ع) باشد.» (همان، ۴۹)

د - اشاره به آیات و روایات به‌عنوان مستند اصول قانون اساسی؛ آیات و روایات متعددی به‌عنوان مستندات فصل سوم قانون اساسی و دیگر اصول مورد بهره‌قرار گرفته‌اند. (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۵۵ به بعد)

به این ترتیب، اعضای مجلس از یک سوء این برداشت را دارند که بعد از بعثت حضرت نبی اکرم (ص)، نخستین بار است که در انقلاب اسلامی فرصت یافته‌اند اسلام را پیاده و تطبیق کنند (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی شورای اسلامی، ۱/۱۳۵۸: ۱۷۳)؛ اسلامی که آینده زندگی جامعه ایرانی را باید تعیین و قانون اساسی را معطوف به خود و هدفمند کند. نهایت آنکه به‌رغم اطلاق اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر اسلامی‌بودن تمام قوانین و مقررات، هرگاه میان آنان، مشاجره‌ای در لفظ - و نه معنا -

صورت می‌گرفت، قیدها و شروطی همچون «طبق موازین اسلام» یا «مخل نبودن به مبانی اسلام» و احاله به آینده مبهم، مسئله مورد اختلاف را فیصله می‌داد. بنابراین باید اذعان نمود، قید «مشروع» از منظر قانونگذار اساسی به معنای شرع است و آنچه آزادی را قید می‌زند، احکام شرعی است.

باتوجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، نمی‌توان به تفسیر صحیحی از عبارت «گسترش» که برای «آزادی‌های مشروع» به کار رفته است، دست یافت؛ اما مشهود است که قانونگذار اساسی از عبارت «گسترش آزادی‌های مشروع» به دنبال ایجاد صلاحیت برای قوه قضائیه جهت شناسایی و معرفی آزادی‌ها نبوده است؛ زیرا چنین برداشتی با تعریفی که از آزادی مطرح گردید، قابل جمع نیست. برای تفسیری صحیح می‌توان به اصول دیگر قانون اساسی مراجعه نمود؛ به عنوان مثال، می‌توان بند ۷ اصل ۳ قانون اساسی که «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» را وظیفه دولت جمهوری اسلامی می‌داند را معادل بند دوم اصل ۱۵۶ دانست. براین اساس می‌توان ادعا نمود باید عبارتی همچون «صیانت»، «حفظ» یا «تأمین» را قبل از «آزادی‌های مشروع» به دلالت اقتضاء^۱ محذوف فرض نمود که در این صورت عبارت بند دوم به این شکل قابل تصور است: «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و «حفظ» آزادی‌های مشروع». البته می‌توان عبارتی همچون «بهره‌مندی» را نیز محذوف فرض نمود که در این صورت متن این‌گونه قابل تصور است: «گسترش عدل و بهره‌مندی از آزادی‌های مشروع». در هر صورت عطف «آزادی‌های مشروع» به «عدل» بدون فرض عبارتی که از دلالت اقتضاء استخراج می‌گردد، باعث می‌شود نتوانیم برداشت صحیحی از عبارت داشته باشیم.

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت منظور از «گسترش آزادی‌های مشروع»، حفظ و صیانت آزادی‌های مردم یا گسترش بهره‌مندی افراد جامعه از آزادی‌های مشروع است؛ البته تا جایی که آزادی به واسطه شرع محدود نشده باشد. به عنوان مؤید این ادعا می‌توان به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان قوه قضائیه مورخ ۱۴۰۲/۴/۶ اشاره نمود. ایشان در این دیدار فرموده: «خیلی دقیق نوشته‌اند؛ آزادی مطلق نیست، آزادی مشروع. آزادی مشروع همان است که شرع اجازه می‌دهد. قانون اساسی این است. در ذیل حکم شرع، آزادی‌های مردم باید تأمین بشود. خب، دستگاه‌های قدرت به طور طبیعی در یک مواردی دچار معارضه می‌شوند؛ چه کسی باید در این زمینه به داد مردم برسد؟ قوه قضائیه؛ یعنی یکی از کارهای مهم قوه قضائیه همین است.»

به نظر می‌رسد برای تحقق گسترش آزادی می‌توان تسامحاً دو گام نظری (ذهنی) و عملی (عینی) را

۱. دلالتی که مقصود متکلم را به حسب عرف نشان می‌دهد و صدق کلام یا صحت عقلی، شرعی، لغت یا عادت مبتنی بر آن است؛ مانند تقدیر عبارت «احکام» در حدیث شریف «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (مفقر، محمدرضا؛ اصول فقه جلد اول؛ اسماعیلیان ۱۴۲۷ ه ق ص ۱۱۶)

در نظر گرفت؛ براساس گام نظری، مصداق آزادی و استثنائات آن تبیین می‌گردد. بیان مصداق آزادی در قانون اساسی و اظهار استثنائات، موجب می‌شود قانونگذار عادی در تکاپوی تبیین دقیق استثنائات آزادی و به تبع، فرایند تحقق آن در قوانین عادی برآید. جهت خروج مفهوم آزادی از عالم انتزاع و نزول آن از آسمان افکار به وادی اجرا لازم است فرایندهای اجرایی، اقدامات و تصمیمات توسط اشخاص مؤثر از جمله قوای حاکم و مأمورین دولت با رویکرد بهره‌مندی اشخاص از آزادی مدنظر باشد. چنانچه مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «این‌ها چیزهایی نیست که با حرف زدن و با گفتن و تصمیم‌گیری‌های موردی و موضعی و فردی و ریاستی و مانند این‌ها حل بشود؛ این‌ها برنامه‌ریزی می‌خواهد، دستور می‌خواهد، روش می‌خواهد...» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه مورخ ۱۴۰۲/۴/۶)

در خصوص آزادی مطبوعات، اصل ۲۴ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» براساس این اصل، آزادی مطبوعات مورد شناسایی قرار گرفته است و دو قید «اخلال در مبانی اسلام» و «اخلال در حقوق عمومی» به عنوان استثناء شناخته شده است. قانون مطبوعات به عنوان مرحله تکمیلی گام نظری، اقدام بارز قانونگذار عادی جهت تبیین آزادی مطبوعات است. رسیدگی افتراقی قضائی با خصیصه حضور هیئت منصفه و به صورت علنی از مهم‌ترین موارد گام عملی است که رعایت دقیق آن می‌تواند آزادی مطبوعات را تأمین نماید. علاوه بر این، مجازات تحدیدکننده آزادی مطبوعات از جانب قوه قضائیه نیز به عنوان یکی از عوامل گام عملی قابل تصور است. در ادامه سعی می‌شود باتوجه به نقش قوه قضائیه گام‌های مورد بحث را در خصوص آزادی مطبوعات مورد بررسی قرار دهیم.

۲- گام‌های نظری در گسترش آزادی مطبوعات

۲-۱- آزادی مطبوعات در قانون اساسی

آزادی مطبوعات به معنای عام شامل جستجو، جمع‌آوری آزادانه اخبار و اطلاعات عمومی، مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات، عدم نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط و مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آن‌ها در دادگاه‌های عادی دادگستری با حضور هیئت منصفه می‌شود. (معتدئزاد، ۱۳۷۷: ۲۳) عواملی باعث شده است که «آزادی مطبوعات» در میان دیگر آزادی اشخاص دارای اهمیت خاصی باشد؛ از جمله این عوامل، می‌توان به اهمیت مشارکت سیاسی آحاد جامعه اشاره نمود که امری لازم جهت پیشرفت اجتماعی است. مشارکت، محتاج آگاهی است و مطبوعات بستر مناسبی برای ایجاد آگاهی عمومی مردم است. همچنین، اصل سوم قانون اساسی «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در

همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات» را از وظایف دولت می‌داند. از سوی دیگر، مطبوعات آزاد از بهترین ارکان برای امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌روند؛ لذا، این آزادی به نسبت دیگر آزادی‌ها دارای سیادت است؛ زیرا بستری برای تحقق جامعه سالم است.

۲-۲- استثنائات آزادی مطبوعات از منظر قانون اساسی

در بدو امر، تبیین مفهوم آزادی مطبوعات، موضوعی بحث‌برانگیز به نظر نمی‌رسد؛ اما زمانی که از حدود این آزادی سخن به میان می‌آید، چالش‌های نظری و عملی زیادی پا به میدان می‌گذارند؛ چنانچه قانونگذار اساسی نیز از این امر مستثنا نبوده است. اصل ۲۴ قانون اساسی در جلسات متعدد طرح می‌شود و به دلیل عدم توافق بر حدود آزادی، اعضا به یک متن منسجم نمی‌رسیدند. یک گروه، بر این اعتقاد بودند که باید اصل بر آزادی مطبوعات باشد و افرادی که سوءاستفاده کرده و به مبانی دینی تعرض کنند، مجازات شوند. استدلال این گروه این‌گونه بود که مفاهیم باید ضابطه معینی داشته باشد و علاوه بر این، اسلام منطق و جهان‌بینی قوی‌ای دارد. در مقابل، گروه دیگر معتقد بودند باید محدوده آزادی مطبوعات موسع‌تر بیان شود و مواردی مانند «نشر اکاذیب»، «اهانت به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص» و «تبلیغ علیه نظام و نشر مطالب تحریک‌آمیز» ممنوع شود. سرانجام اصل با دو قید «اخلال به مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» و ارجاع تفصیل آن به قانون مطبوعات توازنست تا حدودی نظر هر دو گروه را تأمین نماید. (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۷۰) تشویش قانونگذار اساسی زمانی بیش از پیش مشخص می‌گردد که در اصل ۱۷۵ قانون اساسی «رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور» به عنوان قید آزادی بیان و نشر افکار معرفی می‌گردد و این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که به چه دلیل استثنائات این دو اصل که هر دو از اصل آزادی بیان متفرع شده‌اند، در منظر قانونگذار اساسی متفاوت هستند؟

گفتنی است به جز دو قید مذکور در اصل ۲۴، قانونگذار اساسی موارد دیگری را نیز به عنوان استثناء آزادی مطبوعات مدنظر قرار داده است. باتوجه به اصول قانون اساسی «استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی»، «تمامیت ارضی ایران»^۱، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص»^۲، «اضرار به غیر»^۳، «منافع عمومی»^۳، «موازین اسلامی»، «مصالح کشور»^۴ به عنوان استثناء آزادی‌ها قید شده‌اند.

چنانچه مشخص است، مفاهیم به کاررفته در قانون اساسی به عنوان استثناء آزادی‌های مشروع بسیار

۱. اصل ۹ قانون اساسی

۲. اصل ۲۲ قانون اساسی

۳. اصل ۴۰ قانون اساسی

۴. اصل ۱۷۵ قانون اساسی

کلی و مبهم هستند. برای این ابهام می‌توان دلایل متعددی برشمرد؛ ایجاد اجماع در نظر تمام اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر یک موضوع، موسع بودن مفهوم برای تفسیرهای متنوع قانونگذار عادی و غیره از جمله ابهامات موجود هستند. ابهام در استثناء می‌تواند موجبات محدودیت آزادی اشخاص را به دلیل تفسیرهای ناصواب به همراه داشته باشد؛ بنابراین از قانونگذار عادی توقع می‌رود که جد و جهد داشته باشد تا در قوانین عادی، حدود آزادی به صورت کامل تبیین شود.

۲-۳- آزادی مطبوعات در قوانین عادی

در انتهای اصل ۲۴ قانون اساسی عبارت «تفصیل آن را قانون معین می‌کند» دارای ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که تفصیل آزادی مطبوعات را قانون مشخص می‌کند یا تفصیل استثنائات آزادی مطبوعات توسط قانون عادی تبیین می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق آزادی در ابتدای اصل ۲۴ قانونگذار عادی باید به صورت شفاف به تفصیل محدودیت‌ها بپردازد؛ اما از فصل دوم قانون مطبوعات با عنوان «رسالت مطبوعات» بر می‌آید که قانون مطبوعات در بندهای ۵ گانه ماده ۱۲ و با بیان رسالت مطبوعات به دنبال مقصود اول بوده است و مطبوعات نباید گامی برخلاف آن رسالت‌ها بردارند. (ویژه، ۱۳۸۹: ۱۵۶)

حق آزادی مطبوعات به حق‌های متعددی تقسیم می‌شود که ۶ حق از اهمیت بیشتری برخوردار است: ۱- حق آزادی انتشارات، ۲- حق استمرار انتشار، ۳- حق کسب خبر، ۴- حق انتشار خبر، ۵- حق امنیت حرفه روزنامه‌نگاران، ۶- حق دادرسی خاص. (نوروزی، ۱۳۸۹: ۲۹ تا ۴۹) از مواد ۱، ۳، ۵ و ۳۴ قانون مطبوعات و ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌توان حق‌های «استمرار انتشار»، «انتشار اخبار»، «کسب خبر» و «دادرسی خاص» را برداشت نمود.

قانون عادی علاوه بر مورد شنا سایی قرارداد حق‌های مرتبط با حق آزادی مطبوعات، باید به تبیین

۱. ماده ۲- رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی برعهده دارد عبارت است از:

- الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱.
- ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.
- ج- تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قراردادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و...
- د- مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل‌پرستی، اشاعه فحشاء و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی.
- ه- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی.
- تبصره- هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

دقیق محدودیت‌ها پردازد. مطابق ماده ۶ قانون مطبوعات، اخلاف به مبانی و احکام اسلام، حقوق عمومی و خصوصی، محدودیت‌های آزادی مطبوعات هستند و این قانون به جرائم متعددی اشاره نموده که هر یک از آن‌ها را می‌توان در راستای محدودیت‌های مذکور به عنوان استثنا آزادی مطبوعات در نظر گرفت. براین اساس، جرائمی همچون نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی، اشاعه فحشاء و منکرات و نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام را می‌توان از موارد مخل به مبانی و احکام اسلام دانست. همچنین، تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه و اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی، انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی را می‌توان از موارد مخل به حقوق عمومی و افترا و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی و سرقت‌های ادبی را مخل به حقوق خصوصی دانست.

برخلاف رسالت قانونگذار عادی در تبیین شفاف حدود آزادی مطبوعات، در این راستا قوانین عادی از جمله قانون مطبوعات، دارای ابهام فراوانی هستند. در ادامه به برخی از این ابهامات اشاره می‌شود.

۲-۳-۱- ابهامات قانون مطبوعات

۲-۳-۱-۱- ابهام در گستره جرم مطبوعاتی

تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی را می‌توان ارفاق مطبوعات به دلیل احترام به اصل آزادی بیان، آزادی انتشار مطبوعات و مصونیت اصحاب قلم دانست. تبیین جرم مطبوعاتی قصد حمایت از مطبوعات در مقابل تسویه حساب‌های سیاسی حکومت‌ها را دارد. به علاوه، وجود انگیزه انجام کار فرهنگی برای اصحاب مطبوعات و خصیصه سرعت به عنوان یک ویژگی کار مطبوعاتی که ضریب تخلفات احتمالی را افزایش می‌دهد، لزوم وجود تسامح در این قلمرو را موجه می‌سازد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰: ۲۷) بنابراین قانونگذار رسیدگی افتراقی را برای این جرم در نظر گرفته است که رسیدگی به صورت علنی با حضور هیئت منصفه و عدم اجرای قواعد تکرار جرم را می‌توان بخشی از این رسیدگی افتراقی دانست.

قانونگذار عادی در قانون مطبوعات و دیگر قوانین به تعریف جرم مطبوعاتی نپرداخته است و صرفاً مصادیق را بیان نموده است. این اقدام سبب شده است تا در خصوص حدود جرم مطبوعاتی اختلاف نظر وجود داشته باشد. علاوه بر این، فضای باریک میان جرم مطبوعاتی با جرم امنیتی باعث شده است که بعضاً این دو بزه با هم اشتبه شوند. این در حالی است که برای جرم امنیتی رسیدگی افتراقی

خاصی در نظر گرفته شده است که برخلاف جرم مطبوعاتی کاملاً سخت‌گیرانه است؛ به عنوان مثال، انتخاب وکیل در دوره تحقیقات مقدماتی^۱ و دسترسی جهت مطالعه پرونده^۲ محدود شده است. همچنین شروع به تعقیب در جرائم امنیتی توسط دادستان از سهولت بیشتری برخوردار می‌باشد و به صرف اعلام فردی که حتی شاهد قضیه نبوده است، تعقیب انجام می‌پذیرد.^۳ علاوه بر این، کنترل مخابراتی که ممنوع است در جرائم امنیتی پذیرفته شده است^۴ و بازداشت موقت مرتکبین این گونه جرائم مشمول قواعد سهل‌گیرانه‌تری است.^۵ اگر نتوان با مراجعه به قوانین عادی میان جرم مطبوعاتی با جرائم عادی و یا امنیتی تمییز قائل شد، باید ادعا نمود تبیین صحیحی در راستای حمایت از آزادی مطبوعات حادث نشده است. با مراجعه به قوانین عادی، می‌توان سه انگاره را در مورد منشأ قانونی جرم مطبوعاتی ارائه داد: ۱- محدودکردن آن به مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات؛ ۲- محصور دانستن آن در دایره قانون مطبوعات؛ ۳- توسعه دادن آن به تمام قوانین کشور (محمدی، ۱۳۹۲: ۵۱) این در حالی است که هر سه انگاره با مراجعه به قوانین قابل دفاع هستند و صرفاً میان قبض و بسط آن‌ها تفاوت وجود دارد.

۲-۳-۱-۲- ابهام در تعیین میزان مجازات:

بخش عمده‌ای از جرائم مطبوعاتی در ماده ۶ قانون مطبوعات شمرده شده‌اند که این ماده مجازات را به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ احاله داده است. از سوی دیگر، رفتارهایی به موجب مواد ۲۳ به بعد قانون جرم‌انگاری شده‌اند و معلوم نیست که مجازات آن‌ها نیز مانند مجازات ماده ۶ به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ احاله داده شده است یا خیر؟ این ابهام زمانی عمیق‌تر می‌شود که به مفاد ماده ۳۵ قانون که مقرر داشته است «تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود: ...»، مراجعه شود. در این صورت تعیین مجازات برای رفتارهایی که در ماده ۶ درج نشده‌اند، میان مجازات این ماده (مجازات ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) و ماده ۳۵ دارای ابهام است. علاوه بر این در قانون رفتارهایی جرم‌انگاری شده‌اند که در قوانین

۱. ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری

۲. مواد ۱۰۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری

۳. مواد ۶۵ و ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری

۴. ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری

۵. ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری

دیگر برای آن‌ها مجازاتی در نظر گرفته نشده است. از جمله مواد ۲۴ و ۲۵ که از زمره جرائم امنیتی هستند، اما قابل تطبیق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیستند. همچنین بخشی از ماده ۳۲۷ قابل تطبیق با ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^۴ است و بخشی دیگر قابل تطبیق نیست. حال این سؤال به ذهن خطور می‌کند که ماده ۳۵ در مقام جرم‌انگاری تخلفات است یا در مقام بیان مجازات جرائمی است که غیر از جرائم ماده ۶ هستند؟ در تمام این موارد مجازات به قاضی رسیدگی‌کننده سپرده شده است. این در حالی است که اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول پذیرفته‌شده نظام حقوقی ایران و مورد تأکید اصل ۳۶ قانون اساسی است و براساس این اصل باید حیطه معقول مجازات هر جرم در قوانین مشخص باشد و نباید مجازات اشخاص تابع تفسیرهای متفاوت قضائی قرار گیرد.

۲-۳-۱-۳- ابهام در تعیین مسئولیت کیفری

اشخاص با تصور مسئولیت کیفری مستحق مجازات شناخته می‌شوند. قانون مطبوعات از حیث تعیین مسئولیت کیفری نیز دارای ابهام است. افراد دخیل در مطبوعات، صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نویسنده، گوینده و صاحب خبر هستند که قانون باید مسئولیت هر یک را در فرض رفتارهای متفاوت به صورت جداگانه تبیین نماید. تبصره ۴ ماده ۹ صاحب امتیاز را در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول می‌داند و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه را برعهده مدیرمسئول شناخته است؛ ولی براساس تبصره ۷ این ماده، این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود. این در حالی است که با تحقق جرم موضوع ماده ۲۷ (اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید) مدیرمسئول و نویسنده مسئول کیفری شناخته شده‌اند و با ارتکاب جرم موضوع ماده ۳۰ (توهین به اشخاص) صرفاً بیان شده است که

۱. اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در

زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

۲. هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

۳. هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.

۴. توهین به مقام معظم رهبری

مدیر مسئول به مراجع کیفری معرفی می شود. با اینکه ماهیت هر دو جرم توهین به اشخاص است، اما مسئولیت کیفری در آن‌ها به صورت متفاوت توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است. قانون در بدو امر می‌بایست تعریف دقیقی از اشخاص دخیل در مطبوعات (نویسنده، مدیر مسئول، صاحب امتیاز، صاحب خبر، خبرنگار و...) ارائه دهد و در نهایت حقوق و تکالیف هر یک را مشخص نماید و رابطه هر یک از افراد را با فعل مجرمانه تعیین نماید. در این صورت با حدوث رفتار مجرمانه و با تعیین میزان دخالت افراد و صحت انتساب جرم به فعل آن‌ها می‌توان مسئولیت کیفری را فرض نمود و براساس آن اتخاذ تصمیم نمود.

۲-۳-۱-۴- ابهام در قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرائم مطبوعاتی

باتوجه به قانون مجازات اسلامی به جرائمی که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات در آن‌ها منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است، جرم قابل گذشت اطلاق می‌شود. از دیگر ابهام‌های جرم مطبوعاتی، ابهام در قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن این گونه جرائم است. مجازات جرائم مندرج در ماده ۶ قانون مطبوعات به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ احاله داده شده است. باتوجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۹۸ از جمله جرائم قابل گذشت است و در ما نحن فیه این ابهام وجود دارد که آیا صرفاً مجازات ماده ۶۹۸ قابل حمل بر جرائم ماده ۶ قانون مطبوعات است و یا اینکه تمام احکام ماده ۶۹۸ - از جمله قابل گذشت بودن - بر ماده ۶ قانون مطبوعات قابل حمل است.

جرائم تبصره ماده ۲۷ جرائم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ را غیرقابل گذشت می‌داند. در قانون به بخشی از جرائم از حیث قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن توجه شده است ولی برخی از آن‌ها مورد تصریح قرار نگرفته‌اند؛ مثل مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۲. اگر استدلال شود که از ظاهر مفاد مواد و اصل غیرقابل گذشت بودن جرائم، مشخص است که این جرائم غیرقابل گذشت هستند باید اذعان نمود پس به چه دلیل قانونگذار در تبصره ماده ۲۷ به غیرقابل گذشت بودن برخی مواد تصریح نموده است؟ اگر تصریح قانونگذار نبود می‌توانستیم به اصل غیرقابل گذشت بودن جرائم تمسک کنیم و فقط در جایی که تصریح بر قابل گذشت بودن وجود داشت بسنده شود و این بیان قانونگذار موضوع را دچار ابهام نموده است. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۲۳۱ و ۲۳۲)

علاوه بر بخشی از ابهامات موجود در قانون مطبوعات که سخن از آن‌ها رفت، می‌توان به الفاظ مبهم مانند عبارت «اصرار» در تبصره ۲ ماده ۶ که مشخص نیست آیا معادل تکرار در جرم است یا خیر^۱، «پابندی و التزام عملی به قانون اساسی» در بند ۶ ماده ۹ و «تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر» در

۱. تبصره ۲ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۶۹۸)

بند ۳ ماده ۶ که می‌تواند مشمول هرگونه تبلیغی باشد، اشاره نمود. همچنین معلوم نیست به چه دلیل قانونگذار عادی علاوه بر قیود مندرج در اصل ۲۴ قانون اساسی پا را فراتر گذاشته است و «اخلال در حقوق خصوصی» را در ماده ۶ نیز به عنوان یک محدودیت نام برده است.^۱

۴-۲- نقش قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات در گام نظری

در نگاه اول شاید نتوان برای قوه قضائیه در گام نظری گسترش آزادی مطبوعات نقشی در نظر گرفت؛ زیرا بخش عمده‌ای از این مرحله را تدوین قانون به خود اختصاص داده است؛ اما لازم به ذکر است دستگاه قضا با ایجاد رویه قضائی می‌تواند بخش عمده‌ای از ابهام قانون را رفع نماید. «ضوابط عام رفتار معمولاً به دو روش ایجاد می‌شود. نخست از طریق وضع عامدانه و آگاهانه قانون (قانونگذاری) و دیگری قاعده گذاری قضائی یا ایجاد قاعده عام در اثر شکل‌گیری رویه قضائی. تصمیم‌گیری بر مبنای آنچه قبلاً در موضوع مشابه حکم داده شده است و رویه براساس حادثه‌ای که در گذشته است، راهنمایی برای تصمیم جدید دادگاه قرار می‌گیرد. به این معنا رویه نوعی استفاده از تجربه‌های گذشته در رسیدگی قضائی است.» (وکیلان، ۱۳۹۷: ۶۱) رویه قضائی دارای خصائص مشهودی است که می‌توان، تبیین نکات مبهم قاعده کیفری و پویایی حقوق با عینی‌سازی قانون (عالی‌پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲۲)، بازتاب‌دهنده کاستی‌های قانون و الگودهی به قانونگذار را از جمله این خصائص برشمرد. کارکرد رویه قضائی در نظام حقوقی ایران در سه ظرف ۱- رویه قضائی خاص (آرای وحدت رویه که برجسته‌ترین ابزار قضائی برای انسجام یکپارچه‌سازی در تصمیمات قضائی است). ۲- رویه قضائی عام (به معنای مجموع آرای قضائی) و ۳- نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، قابل بررسی و نقش‌آفرین است. رویه قضائی در بسیاری از موارد توانسته به عنوان کارکرد حمایتی، نقش تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع افراد را ایفا نماید؛ مانند رأی شماره ۱۷۲ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۰ دیوان عدالت اداری (در باب لزوم رفع تبعیض ناروا) و یا رأی شماره ۸۵۱ مورخ ۱۳۹۴/۷/۷ دیوان عدالت اداری (احترام به حقوق مکتسبه اشخاص).

باتوجه به اهمیت و کارکرد رویه قضائی در نظام حقوقی ایران، به نظر می‌رسد هرگاه قانون‌داری

قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد.» که باتوجه به مفاد به نظر می‌رسد منظور از عبارت «اصرار» باید «تکرار جرم» باشد. این در حالی است که باتوجه به ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی مقررات مربوط به تکرار جرم در جرم مطبوعاتی قابل اعمال نیست؛ بنابراین باتوجه به مؤخر بودن قانون مجازات باید ادعا نمود در صورت تکرار جرم نباید مجازات تبصره ۲؛ یعنی تشدید مجازات و لغو پروانه، صادر گردد. به عبارتی باید این تبصره را منسوخ دانست.

۱. جهت فلسفه عدم اصلاح قانون مطبوعات مراجعه شود به <https://irdc.ir/fa/news>

ابهام بیشتری با شد باید قضات با اتکا به رویه قضائی سعی در رفع ابهام و اجمال آن نموده و در مقام اجرا و تطبیق بر آیند. علاوه بر این توجه به رویه قضائی می تواند به شدت از تورم قانون پی شگیری نماید. مزید بر این اگر حتی بتوان با تقنین ابهامات قانونی را رفع نمود لاجرم محتاج رویه قضائی هستیم، زیرا؛ اولاً قانون در بستر اجرا به سنگ محک می خورد و با پیاده شدن در محاکم می توان اشکالات آن را مشخص نمود و در اصلاحات بعدی آن ها را رفع نمود. در این مرحله رویه قضائی بدل به قانون نوشته خواهد شد. ثانیاً فرایند تصویب قانون بسیار طولانی است که در دوره گذار تصویب قانون، نیازمند رویه های قضائی هستیم تا به واسطه آن ها از حقوق اشخاص حمایت شود.

«ابهامات قانون مطبوعات رویه قضائی را به سمتی سوق داده است که جرائم مطبوعاتی بیشتر به جرائم عمومی نزدیک شده اند و مفاد قانون مطبوعات از جمله تبصره ۲ ماده ۶ قانون نیز، این نزدیکی و گاه یکسان انگاری را بدون توجه به ماهیت متفاوت جرم مطبوعاتی تشویق می کند؛ زیرا به گونه ای مستقیم مجازات جرائم مندرج در این ماده را به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی احاله داده است.» (ویژه، همان: ۱۶۳) جهت تصحیح مجازات در جرم مطبوعاتی و با توجه به ظرفیت قانون مجازات اسلامی، قضات می توانند با بهره مندی از مجازات تکمیلی (موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)، معافیت ها و تخفیف های قانونی (موضوع مواد ۳۷ تا ۳۹ قانون مجازات اسلامی)، نهادهای ارفاقی و ... با ایجاد وحدت رویه، مجازات مطبوعاتی را از عمومی تفکیک کنند. همچنین دیوان عالی کشور می تواند با ظرفیت ایجاد رأی وحدت رویه به برخی ابهامات که موجبات صدور آرای متهافت را فراهم نموده، خاتمه دهد. از سوی دیگر اداره حقوقی قوه قضائیه با ظرفیت صدور نظرات مشورتی می تواند به عنوان یک نهاد رویه ساز به کمک قضات آمده و در بسیاری از ابهامات موجود در قانون با استدلال های منطقی به رفع اختلاف بپردازد. اگرچه نظرات اداره حقوقی برای قضات الزام آور نیستند اما به عنوان یک چراغ راه می تواند با استدلال به تشهید اذهان قضات رسیدگی کننده، نائل آید.^۱

۳- گام های عملی قوه قضائیه در گسترش آزادی مطبوعات

پس از آنکه مفهوم آزادی مطبوعات با شناسایی آن در قانون اساسی و تفصیل استثنائات آن در قوانین عادی موجب گسترش نظری آزادی گردید، قوه قضائیه در اجرا می تواند نقش فعالی در گسترش آزادی

۱. با مراجعه به تارنمای اداره کل حقوقی قوه قضائیه (<https://edarchoquy.cadl.ir>) جهت دریافت نظرات مشورتی آن نهاد در خصوص جرم مطبوعاتی در می یابیم تعداد نظرات مشورتی در این زمینه بسیار انگشت شمار هستند. این موضوع در خصوص آرای وحدت رویه نیز صدق می کند؛ بنابراین سؤالی به ذهن خطور می کند که علت عدم توجه دیوان عالی کشور و اداره حقوقی (و یا قضات جهت بهره از این دو نهاد) به ابهامات بسیار در خصوص جرم مطبوعاتی چیست؟

مطبوعات داشته باشد. در حوزه عمل به نظر می‌رسد می‌توان الف - رعایت رسیدگی افتراقی با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی، ب- مجازات قانونی تحدیدکنندگان آزادی مطبوعات را از مهم‌ترین عوامل دانست.

۳-۱- رسیدگی افتراقی جرائم مطبوعاتی

باتوجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرایم مطبوعاتی به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود. اگرچه عبارت «رسیدگی» در این مقررات به معنای رسیدگی در دادگاه است اما باید توجه داشت فرایند کامل رسیدگی قضائی شامل کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی داد سرا، رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم است و زمانی گسترش آزادی مطبوعات در فرایند رسیدگی محقق می‌شود که تمام این مراحل در راستای رویکرد آزادی مطبوعات محقق شوند. بنابراین می‌توان موضوع رسیدگی را به قسمت رسیدگی در دادسرا و رسیدگی در دادگاه تقسیم نمود.

۳-۱-۱- رسیدگی به جرم مطبوعاتی در دادسرا

در حال حاضر ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری جهات قانونی شروع به تعقیب جرم توسط دادستان را تبیین نموده است و باید اظهار نمود در جرائم قابل گذشت، شروع به تعقیب متوقف به شکایت شاکی و در جرائم غیرقابل گذشت موقوف به طرق دیگر است. باتوجه به مواد ۱۲ و ۴۵ قانون مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد و هیئت نظارت بر مطبوعات از جمله ارکان اعلام جرم مطبوعات به دادستان هستند. باتوجه به رسالت این دو نهاد مبنی بر نظارت کیفی بر مطبوعات کشور و آشنایی نسبی افراد عضو در هیئت نظارت با جریان مطبوعات می‌توان ادعا نمود، سوق رویه قضائی بر پذیرش شروع به تعقیب مبنی بر اعلام جرم این دو نهاد میتواند مساعدت مناسبی بر آزادی مطبوعات باشد؛ زیرا از جمله مسائلی که تا حد زیادی موجب تحدید آزادی مطبوعات است، تداخل جرائم امنیتی و عادی با جرائم مطبوعاتی است که سابقاً در خصوص این موضوع توضیح داده شد.

اگرچه تحقیقات مقدماتی در دادسرا مبتنی بر نظام تفتیشی است، اما قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «در ماده ۱۹۲ به صراحت، امکان توافعی شدن تحقیقات مقدماتی را برای نخستین بار و فقط در جرائم قابل گذشت، مدنظر قرار داده و در صورت امکان، بازپرس را مکلف به ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع به میانجیگری کرده است.» (آشوری، ۱۳۱۰/۲:۱۳۱) همچنین نهادهایی همچون تعلیق تعقیب (موضوع ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری) می‌تواند به رسیدگی افتراقی با رعایت آزادی مطبوعات مساعدت نماید.

۳-۱-۲- رسیدگی به جرم مطبوعاتی در دادگاه

۳-۱-۲-۱- حضور هیئت منصفه در رسیدگی جرم مطبوعاتی

حضور هیئت منصفه به دلایلی از جمله پی‌شگیری از لغزش قاضی در اصل ۱۶۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. (ورعی، همان: ۹۶۴) اهمیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه به حدی است که دادگاه ویژه روحانیت پس از اعتراض وزارت ارشاد به جریان رسیدگی جرم مدیرمسئول روحانی روزنامه خراسان در دادگاه ویژه روحانیت، بدون حضور هیئت منصفه موضوع را از حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) استفتاء نمود. در بخشی از این استفتاء سؤال شده است: «در صورت رسیدگی در این مراجع قضائی (دادگاه ویژه روحانیت) حضور هیئت منصفه در دادگاه ضروری است؟» که مقام معظم رهبری در پاسخ بیان داشته‌اند: «اگر ترکیب هیئت منصفه از روحانیون مورد تأیید دادستان و رئیس دادگاه باشد حضور آن مفید است.» (ساریخانی، ۱۳۸۹: ۳۶۸)

در حال حاضر اعضا و نحوه انتخاب هیئت منصفه مشمول فصل هفتم قانون مطبوعات (مواد ۳۶ تا ۴۴) می‌باشد و بنا است که این هیئت به‌عنوان نماینده افکار عمومی در جرائم مطبوعاتی در خصوص مجرم‌بودن یا نبودن متهم اظهارنظر کنند؛ اما آیا با وضعیت موجود این هیئت را می‌توان نماینده افکار عمومی فرض نمود؟

براساس ماده ۳۶، هر دو سال یک‌بار در مهرماه جهت تعیین اعضای هیئت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور تشکیل می‌شود. اعضای مذکور در ماده جملگی از نهادهای حاکمیتی هستند و قانونگذار در این ماده به اعضای بی‌طرف مانند پیشکسوتان در حوزه مطبوعات، اساتید، واحدهای صنفی و... توجه نداشته است. این موضوع به‌نظر از ضعف‌های بزرگ در انتخاب اعضای هیئت منصفه است. هیئت مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استان‌ها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی به‌عنوان اعضای هیئت منصفه انتخاب می‌کند و این اعضا ظرف دو سال به‌عنوان اعضای هیئت منصفه در تمام دادگاه‌های مطبوعاتی حاضر می‌شوند. در این خصوص چند مسئله قابل طرح است: ۱- با بررسی انتخاب اعضای هیئت منصفه تهران در ۴ دوره اخیر شاهد تکرار برخی اسامی در تمام ادوار هستیم.^۱ به‌صورتی که به‌نظر می‌رسد برای این افراد حق مکتسبه‌ای به‌عنوان عضو هیئت منصفه ایجاد شده است. این موضوع می‌تواند کارکرد هیئت منصفه را به‌صورت مشهودی مخدوش نماید. ۲-

۱. اسامی اعضا توسط نگارنده در ۴ دوره اخیر مقایسه شده است.

علاوه بر این اعضای انتخاب شده عموماً از افراد سیاسی اند که قاعدتاً دارای گرایش حزبی و یا سیاسی خاص هستند و این در حالی است که باتوجه به اقشار نامبرده در قانون (مانند اصناف، کارگران، کشاورزان و کارمندان) به ذهن می رسد افراد باید از عموم جامعه انتخاب شوند و نه از اشخاص شاخص فرهنگی. باتوجه به اینکه مطبوعات عموماً دارای رویکرد سیاسی در تحلیل و ارائه اخبار هستند، بی طرفی اعضای هیئت منصفه از حیث شهره بودن به طیف یا جناح خاص سیاسی لازم است تا این نهاد در اتخاذ تصمیم در مظان اتهام نباشد.

قانون هیئت منصفه در راستای حل این چالش ها، در سال ۱۳۸۲ جهت انتخاب اعضای هیئت منصفه، نظامی سه مرحله ای پیش بینی نموده بود؛ به گونه ای که باید زیر نظر رئیس قوه قضائیه و با حضور برخی دیگر از مقامات دولتی با انتشار آگهی از قشرهای مختلف و علاقه مندان عضویت در هیئت منصفه ثبت نام انجام و در مرحله دوم مراسم قرعه کشی در یکی از سالن های عمومی شهر برگزار شود و از میان فهرست تهیه شده ۵۰۰ نفر برای تهران و ۲۵۰ نفر برای استان های بیش از یک میلیون نفر جمعیت و ۱۵۰ نفر برای استان هایی با جمعیت کمتر تخصیص و از این میان دوسوم آنها اصلی و یک سوم دیگر بدل باشند و در مرحله سوم حسب قرعه کشی ۲۱ نفر برای تهران و ۱۴ نفر برای مرکز استان ها برگزیده شود که هر طبقه اجتماعی بیش از دو نفر جذب نشود؛ اما در تیر سال ۸۷ قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه تصویب شد و با لازم الاجرا خواندن دائمی قانون اصلاح مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ را برای همیشه از گردونه اعتبار خارج نمود. (شریفی، ۱۳۹۸: ۱۲۵) باتوجه به اینکه انتخاب تصادفی اعضاء جهت حضور در هیئت منصفه می تواند اثر بسزایی در ارائه افکار عمومی نسبت به موضوع باشد، به نظر می رسد در این خصوص باید اصلاحات قانونی اعمال گردد. در حال حاضر نیز باتوجه به اینکه رئیس کل دادگستری به عنوان عضو مؤثر در انتخاب اعضای هیئت منصفه ایفای نقش می کند، وی می تواند با رعایت اصول کلی در انتخاب اعضا؛ مانند انتخاب هر فرد برای صرفاً یک دوره، پرهیز از انتخاب اشخاص شاخص سیاسی و ... در گسترش آزادی مطبوعات نقش ایفای نماید. همچنین به نظر می رسد رئیس قوه قضائیه با تدوین آیین نامه مستقل در این راستا می تواند به ایجاد وحدت رویه میان رؤسای کل دادگستری کمک نماید.

علاوه بر نکات فوق به نظر می رسد برخلاف رویه حال حاضر اعضای هیئت منصفه در انتخاب سخنگو و ابراز نظر نهایی هیئت منصفه از طریق سخنگو، لازم است پس از ورود به شور نظرات اعضا تک به تک اخذ و صورت جلسه شده و در نهایت نظرات اکثریت و اقلیت به همراه استدلال جهت بهره قاضی رسیدگی کننده از افکار عمومی، خوانده شود.

۳-۱-۲-۲- رسیدگی علنی جرائم مطبوعاتی

علنی بودن رسیدگی به جرائم مطبوعاتی در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، مواد ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری و ۳۴ قانون مطبوعات اشاره شده است. علنی بودن دادگاه از یک جنبه موجبات شفافیت در جریان رسیدگی را به همراه دارد و از جنبه‌ای دیگر «چون جرم خود به نحو علنی و از طریق مطبوعات صورت گرفته است، ادعای ضرورت غیرعلنی بودن امری پذیرفته به نظر نمی‌رسد» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۷۲/۲)

باتوجه به تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. در حال حاضر موقعیت فیزیکی بسیاری از شعبات دادگاه‌ها در ایران امکان حضور اشخاص غیرمرتبط با پرونده را با مشکل مواجه نموده است و در عمل برگزاری دادگاه علنی با چالش جدی مواجه است. با پیشرفت فناوری اطلاعات، امکان انتشار برخط دادگاه‌ها در بستر فضای مجازی ممکن است اما آنچه از ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری به دست می‌آید موضوع انتشار جریان رسیدگی موضوعی فرع بر علنی بودن دادگاه است. با عنایت به این ماده اصل بر عدم انتشار جریان رسیدگی پرونده است اما باتوجه به تبصره ۲ این ماده «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان پذیر است.» باتوجه به جرائم مطبوعاتی عموماً این گونه جرائم مشمول تبصره مذکور نمی‌شوند و به عبارتی در حال حاضر نمی‌توان با انتشار برخط جریان رسیدگی مطبوعاتی موضوع چالش حضور اشخاص عادی را در دادگاه مطبوعات برطرف نمود. در همین راستا به نظر می‌رسد تشکیل شعباتی با ظرفیت برگزاری دادگاه مطبوعات از طرف قوه قضائیه امری لازم است.^۱ در ادامه نیز قانونگذار با بررسی فنی موضوع انتشار جریان رسیدگی دادگاه‌های مطبوعاتی و در صورت مصلحت، اصل قراردادادن انتشار رسیدگی به جرائم مطبوعاتی خلأ این موضوع را می‌تواند رفع نماید.

۳-۱-۲-۳- مجازات تحدیدکنندگان آزادی مطبوعات

در خصوص تحدید آزادی بیان مطبوعات می‌توان به ۴ مقرره اشاره نمود. ۱- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴: در ماده ۴ این قانون آمده است: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند» و در ادامه ماده ۵ این قانون کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و

۱. در حال حاضر در دادگاه کیفری یک استان تهران، سالتی جهت برگزاری دادگاه‌های مطبوعاتی پیش‌بینی شده است.

حفظ مصالح جامعه باشد را حق قانونی مطبوعات دانسته است. تبصره ۱ این ماده متخلف از این مواد را به شرط داشتن شاکی مستحق به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی دانسته است. ۲- ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». ۳- ماده ۹ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است؛ علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توبیخ، کسر حقوق یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند». ۴- ماده ۲۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «ارتکاب عمدی اعمال زیر جرم می‌باشد و مرتکب به پرداخت جزاء نقدی از سیصد هزار ریال تا یک صد میلیون ریال باتوجه به میزان تأثیر، دفعات ارتکاب جرم و وضعیت وی محکوم خواهد شد: الف — ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات این قانون. ...»

موضوع مواد ۴ و ۵ قانون مطبوعات دو تفاوت اساسی با دیگر مقرره‌های مذکور دارد. نخست آنکه جرمی قابل گذشت است و تفاوت دوم اینکه در خصوص تحدید آزادی بیان مطالب در مطبوعات نسبت به دیگر قوانین خاص محسوب می‌گردد. براساس ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جرم دارای دو حیثیت عمومی (از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اختلال در نظم عمومی) و خصوصی (از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین) است. براساس همین تعریف جرائم به قابل گذشت و غیرقابل گذشت قابل تقسیم هستند. جرم قابل گذشت جرمی است که دارای حیثیت خصوصی است و به حقوق شخص معین تعدی شده است. در این گونه جرائم فردی که به صورت مستقیم از جرم متضرر شده است به عنوان بزه دیده شناخته می‌شود که با شکایت از متهم، وی را می‌توان شاکی قلمداد نمود. در جرائم غیرقابل گذشت، مدعی‌العموم موظف به پیگیری قضائی است؛ زیرا مجرم با ارتکاب جرم مقررات الهی یا حقوق جامعه را نشانه گرفته است. با بیان این موضوع

اقدام قانونگذار در تلقی جرم «فشار بر مطبوعات» به عنوان یک بزه قابل گذشت کاملاً قابل نقد است؛ زیرا براساس قانون مطبوعات «پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است» از جمله روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم (ماده ۲ قانون مطبوعات) از جمله رسالت های مطبوعات است. در صورتی که شخصی در صدد کنترل مطبوعات برآید و در حذف یا نگارش یک موضوع بر مطبوعات فشار وارد نماید درواقع تمام آحاد جامعه را متضرر نموده است. علاوه براین چه شخصی را باید در خصوص این موضوع «شاکی» و «متضرر از جرم» فرض نمود؟ آیا صرفاً افراد دخیل در مطبوعاتی که تحت فشار قرار گرفته اند، می توانند به عنوان شاکی قلمداد شوند یا هر شخصی که از بزه مذکور دچار ضرر شده است؟ ممکن است درج یا عدم درج مطلبی با فشار اشخاص موجبات ضرر مادی یا معنوی اشخاص دیگری را به همراه داشته باشد. باتوجه به این موضوع ممکن است فشار بر عدم درج یا درج یک مطلب موجبات ضرر تمام اشخاص جامعه را فراهم نماید. حال باین وجود فرض اگر شخصی شکایت نماید و تعقیب مجرم آغاز گردد، آیا عدالت کیفری ایجاب می کند با گذشت وی، تعقیب متهم متوقف شود؟

از منظر دیگر نسبت جرم «فشار بر مطبوعات» مندرج در ماده ۴ و ۵ قانون مطبوعات با ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ قابل تأمل است. تفاوت این دو مقرر را این گونه می توان برشمرد:

۱- قانون مطبوعات مقدم بر قانون مجازات اسلامی است. ۲- رفتار مورد توجه در قانون مطبوعات «فشار بر مطبوعات از حیث درج یا عدم درج مطالب»، «سانسور مطبوعات»، «کنترل مطبوعات» و «جلوگیری از کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه است»، هستند؛ اما رفتار جرم انگاری شده در ماده ۵۷۰ «سلب آزادی شخصی افراد جامعه» و «محروم نمودن افراد از حقوق مندرج در قانون اساسی» است؛ بنابراین رفتارهای مورد توجه قانون مطبوعات نسبت به ماده ۵۷۰ خاص مقدم هستند. ۳- مرتکب جرم در قانون مطبوعات مقامات دولتی و غیردولتی هستند؛ اما ماده ۵۷۰ صرفاً در خصوص مقامات و مأمورین دولتی و اشخاص وابسته به دولت است؛ بنابراین دراین خصوص ماده ۵۷۰ نسبت به قانون مطبوعات خاص محسوب می گردد. البته لازم به ذکر است قانون مطبوعات برای اشخاص غیردولتی مجازاتی در نظر نگرفته است؛ زیرا مجازات «فشار بر مطبوعات» انفصال موقت (و در صورت تکرار انفصال دائم) از خدمت دولتی است که برای اشخاص عادی قابل فرض نیست؛ بنابراین باید اذعان نمود عملاً مرتکب مواد ۴ و ۵ قانون مطبوعات کارمندان دولت هستند.

بزه «فشار بر مطبوعات» در مقابل جرم «ایجاد مانع برای امر به معروف و نهی از منکر» مندرج در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ و جرم «ممانعت از دسترسی به

اطلاعات» مندرج در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ مقدم است و رابطه عموم و خصوص من وجه دارد. به عبارتی ممکن است فشار بر مطبوعات مشمول ایجاد مانع برای امر به معروف یا نهی از منکر یا دسترسی به اطلاعات باشد.

باتوجه به مطالب بیان شده به نظر می رسد اگر هر یک از رفتارهای مندرج در ماده ۴ و ۵ قانون مطبوعات قابل تطبیق با موضوع ایجاد مانع برای امر به معروف یا نهی از منکر یا دسترسی به اطلاعات باشد، باید باتوجه به مؤخر بودن قوانین حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از قانون مذکور باید مجازات بر اساس آنها برای مرتکب در نظر گرفته شود. در این صورت بزه مذکور غیرقابل گذشت بوده و شامل تمام اشخاص (اعم از دولتی و غیردولتی) می گردد. علاوه بر این اگر مأمورین دولتی مرتکب رفتاری شوند که منجر به تحدید آزادی مطبوعات شود و از مصادیق مواد ۴ و ۵ قانون مطبوعات نباشد باید براساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ رفتار نمود.^۱ با عنایت به این موارد لازم است دادستان در راستای حمایت از آزادی اشخاص به این موضوع توجه نماید و ضابطین در صورت مواجه شدن با موضوع لازم است وفق قانون جرم را گزارش نمایند. در صورت تغییر رویکرد، سازمان های مردم نهاد نیز می توانند در راستای ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری جهت حمایت از حقوق شهروندی در مورد این مسائل اعلام جرم نموده و موضوع را از مراجع قضائی پیگیری نمایند.

در نهایت باید افزود که مطبوعات در صورتی که تحت فشار مقامات دولتی قرار گیرند، امکان شکایت بسیار بعید به نظر می رسد؛ زیرا خود را در برابر صاحبان قدرت مقهور می دانند و چنانچه اشاره شده در اکثر موارد متضرر از جرم اصحاب مطبوعات نیستند و اشخاص جامعه از فشار بر مطبوعات آسیب خواهند دید که اصلاً متوجه بروز جرم نخواهند شد. این موضوع را می توان از این حیث با بزه قاچاق کالا و ارز مقایسه نمود، در بزه مذکور شهروندان از رفتار متهم دچار آسیب می شوند اما اصلاً متوجه بروز جرم نمی گردند. اگر چنین جرمی نیز برای تعقیب نیازمند شکایت شاکی بود، هیچ گاه جرم قاچاق کشف نمی گردید. همین مسئله باعث گردیده است تا علاوه بر دستگاه قضا و مقامات اداری تعزیرات حکومتی، سازمانی با نام ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تأسیس گردد تا بتوان مبارز با این پدیده شوم را برنامه ریزی نمود.

نتیجه

اصل بر آزادی اشخاص است که این آزادی براساس «ارزش های اجتماعی» در مواردی محدود

۱. با عنایت بر اینکه برخی عام مؤخر را نا سخ خاص مقدم می دانند؛ می توان به نسخ مواد ۴ و ۵ قانون مطبوعات قائل شد. این موضوع را می توان بر اساس رویکرد حمایتی قانونگذار از آزادی اشخاص بر اساس قوانین مؤخر و اشکالاتی که به مواد ۴ و ۵ وارد شد، توجیه نمود؛ اما کماکان رویه قضائی چنین رویکردی ندارد.

می‌شود؛ بنابراین عبارت «گسترش» در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در خصوص آزادی‌های مشروع به معنای گسترش بهره‌مندی اشخاص از آزادی است. باید اذعان نمود قید «مشروع» نیز از منظر قانونگذار اساسی به معنای شرع است و آنچه آزادی را قید می‌زند، احکام شرعی است؛ البته این موضوع نافی اقدامات قانونگذار عادی در شناسایی موضوع و تطبیق آن با شرع مقدس و همچنین استثناء نمودن آزادی براساس رعایت حقوق عمومی نیست.

برای تحقق گسترش آزادی‌های مشروع، تسامحاً دو گام نظری (ذهنی) و عملی (عینی) قابل تصور است؛ براساس گام نظری مصادق آزادی و استثنائات آن باید در قوانین و مقررات به صورت شفاف و صریح تبیین گردد و در مرحله عملی لازم است فرایندهای اجرایی، اقدامات و تصمیمات توسط اشخاص مؤثر از جمله قوای حاکم و مأمورین دولت با رویکرد بهره‌مندی اشخاص از آزادی مدنظر باشد. در خصوص آزادی مطبوعات، برخلاف رسالت قانونگذار عادی در تبیین شفاف حدود آزادی مطبوعات، قوانین عادی در این راستا از جمله قانون مطبوعات دارای ابهام فراوانی است. گستره جرم مطبوعاتی، میزان مجازات، مسئولیت کیفری، قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرائم مطبوعاتی و الفاظ مبهم از جمله ابهامات موجود در قانون مطبوعات است. باتوجه به ابهامات فراوان قانون مطبوعات که می‌تواند به صورت اثرگذاری به آزادی مطبوعات خدشه وارد نماید؛ بنابراین قوه قضائیه می‌تواند با بهره‌گیری از رویه قضائی تا حد زیادی ابهامات قانونی را رفع نموده و در راستای گسترش آزادی مطبوعات گام بردارد. جهت تصحیح مجازات در جرم مطبوعاتی و باتوجه به ظرفیت قانون مجازات اسلامی، قضات می‌توانند با بهره‌گیری از مجازات تکمیلی (موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)، معافیت‌ها و تخفیف‌های قانونی (موضوع مواد ۳۷ تا ۳۹ قانون مجازات اسلامی)، نهادهای ارفاقی و ... با ایجاد وحدت رویه، مجازات مطبوعاتی را از عمومی تفکیک کنند. همچنین دیوان عالی کشور می‌تواند با ظرفیت ایجاد رأی وحدت رویه به برخی ابهامات که موجبات صدور آرای متعارض را فراهم نموده، خاتمه دهد.

به نظر می‌رسد در گام عملی گسترش آزادی‌های مشروع می‌توان «رعایت رسیدگی افتراقی با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی» و «مجازات قانونی تحدیدکنندگان آزادی مطبوعات» را از مهم‌ترین اقدامات دانست. در رسیدگی قضائی، چند موضوع می‌تواند در گسترش آزادی مطبوعات اثرگذار باشد. در مرحله شروع به تعقیب، باتوجه به رسالت وزارت فرهنگ و ارشاد و هیئت نظارت بر مطبوعات مبنی بر نظارت کیفی بر مطبوعات کشور و آشنایی نسبی افراد عضو در هیئت نظارت با جریان مطبوعات می‌توان ادعا نمود، سوق رویه قضائی بر پذیرش شروع به تعقیب مبنی بر اعلام جرم این دو نهاد می‌تواند مساعدت مناسبی بر آزادی مطبوعات باشد؛ زیرا از جمله مسائلی که تا حد زیادی موجب تحدید آزادی

مطبوعات است. همچنین سوق دادن رسیدگی در دادسرا به سمت رسیدگی ترافیکی و بهره‌گیری از نهادهایی همچون تعلیق تعقیب، می‌تواند به رسیدگی افتراقی با رعایت آزادی مطبوعات مساعدت نماید.

در خصوص هیئت منصفه، اشکالاتی از جمله ایجاد حق مکتسبه برای برخی افراد به‌عنوان عضو، رویکرد سیاسی و حزبی برخی اعضا و عدم توجه به برخی از اصناف، به شکل مشهود به چشم می‌خورد؛ بنابراین به نظر می‌رسد به غیر از اقدامات تقنینی از جهت قوه مقننه، دقت در انتخاب اعضاء توسط نمایندگان قوه قضائیه می‌تواند تا حدی به کاستی‌های قانونی کمک کند.

اما در خصوص مجازات تحدیدکنندگان آزادی مطبوعات باید اذعان نمود، عدم اتخاذ سیاست کیفری منسجم از جانب قانونگذار عادی مشهود است. تفسیر صحیح قضائی از مواد مرتبط می‌تواند کارگشا باشد.

منابع

- آشوری، محمد (۱۴۰۰)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران، سمت.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir> (۱۴۰۲/۹/۲۰)
- جوادی آملی، عبدالله (۹۳)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسرا.
- جونز، پیتر، مترجمان: زرگوش، مشتاق، همتی، مجتبی (۹۲)، فلسفه حقوق؛ حق‌ها، تهران: میزان.
- ساریخانی، عادل (۱۳۸۹)، پژوهشی فقهی - حقوقی در جرائم مطبوعاتی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شریفی، محسن (۱۳۹۸)، «نارسایی‌های تقنینی هیئت منصفه کارآمد در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۱۰۰.
- شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۸۰)، جرم مطبوعاتی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاه مشهد.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، جلد اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸.
- کاظم، معتمدنژاد (۱۳۷۷)، «ارکان حقوقی آزادی مطبوعات»، رسانه، سال نهم، شماره دوم.
- محمدی، قاسم (۱۳۹۲)، جرم مطبوعاتی، تهران: سمت.
- مرتضوی، سعید (۱۳۸۶)، جرائم مطبوعاتی، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مروری بر ماجرای اصلاح قانون مطبوعات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، <https://irdc.ir/fa/news> (۱۴۰۲/۹/۲۳)
- مظفر، محمدرضا (۱۴۲۷ ه.ق)، اصول فقه، جلد اول، چاپ نهم، قم: اسماعیلیان
- نوروزی، کامبیز (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۵)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به روایت قانونگذار، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- وکیلان، حسن (۱۳۹۷)، «جایگاه رویه قضائی و قانون به‌عنوان منابع حقوق در دکتترین حقوقی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۸. صداقتی، سهام، صالحی، کریم، دهشیری، مهدی، عالی‌پور، حسن (۱۳۹۹)، «نقش رویه قضائی در قانونگذاری کیفری مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۵۰، شماره ۱۵.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.